

شناسایی عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری در دو گونه مسکن حیاطدار و بدون حیاط (مورد مطالعه: ناحیه یک منطقه آزادگان شهر ایلام)

اسماعیل ضرغامی^۱

حسین باقری^۲

چکیده

با کاهش روابط اجتماعی در خانه‌های امروزی نسبت به گذشته، توجه به خصیصه‌های محیط‌های مسکونی اهمیت یافته است. تحقیقات از فردگرایی به عنوان منشأ ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله: عدم شناخت خود، خودکم‌بینی، اختلالات روانی، پیری زودرس و افزایش معضلات اخلاقی در میان جوامع شهری امروزی یاد می‌کنند. خانه به عنوان اصلی‌ترین محیط زندگی انسان نقشی تعیین‌کننده در بروز رفتارهای اجتماعی افراد دارد؛ بنابراین افزایش دانش طراحان نسبت به خصیصه‌های مطلوب محیط در جهت ارتقای نقش اجتماعی افراد در خانه می‌تواند بر کاهش فردگرایی اثرگذار باشد. هدف تحقیق حاضر شناخت مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر میزان تعاملات اجتماعی ساکنان در محیط خانه است. بدین منظور با روش تحلیلی و استفاده از ابزار پرسشنامه دو گونه مسکن (بدون حیاط و حیاطدار) در شهر ایلام بررسی گردید. برای گونه مسکن حیاطدار از ۴۱ نفر و برای گونه مسکن بدون حیاط از ۳۴ نفر پرسش شد؛ این افراد به صورت تصادفی از بین کسانی انتخاب شدند که تجربه زندگی در این گونه مسکن‌ها را داشته‌اند؛ نتایج تحقیق نشان داد که سه متغیر مجاورت عملکردی، سبک زندگی و نیاز به کمک متقابل، عوامل مهم و مشترک در اجتماع‌پذیری افراد در دو گونه مسکن بوده است. در نهایت پیشنهاد شد که از توسعه خانه‌های بدون حیاط جلوگیری شود و در صورت عدم تحقق این امر به حضور حیاط در طبقات برای هر واحد مسکونی توجه گردد؛ همچنین فارغ از ابعاد و مساحت حیاط، هندسه قرارگیری حیاط نسبت به خانه مد نظر طراحان باشد.

واژگان کلیدی: اجتماع‌پذیری، مسکن، متغیرهای کالبدی، شهر ایلام.

مقدمه و بیان مسئله

با گسترش کالبد شهرهای معاصر، معضلات اجتماعی بسیاری از جمله فردگرایی توسعه پیدا کرده است. گزارش‌ها از نقش فردگرایی به عنوان منشأ ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله: عدم شناخت خود، خودکم‌بینی، اختلالات روانی، پیری زودرس و افزایش معضلات اخلاقی در میان جوامع شهری امروزی حکایت دارد. بخشی از دلایل حادث شدن این عارضه‌ها مرتبط با محیط زندگی افراد است (بانرجی، ۲۰۰۱: ۲۱). این در حالی است که در رابطه با تأثیر محیط در برقراری رفتارهای اجتماعی مثبت و سازنده، جایگاه طرح کالبدی خاص معماری اثبات شده است (راپاپورت، ۱۹۶۹: ۱۲۱). چگونگی تأثیر طراحی بر تعامل اجتماعی مردم از سال‌ها قبل مورد نظر طراحان محیط بوده است (گل، ۱۹۸۷: ۲۸۳). خانه به عنوان اصلی‌ترین مکان زندگی مردم، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش فردگرایی و افزایش روحیه اجتماعی شدن افراد دارد (بیکر و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۸۹). مسکن امروزی به دلیل رویکرد اقتصادی (دانشپور و حسینی، ۲۰۱۲: ۶۹) و نظام توسعه شهری نامطلوب (مظفر و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۶۲) از کیفیت سازگار با نیازهای انسانی برخوردار نیست. شهر ایلام نیز که در معرض جریان‌ات توسعه مسکن قرار گرفته از این صدمات در امان نمانده است؛ چنانکه با گسترش مسکن آپارتمانی و توسعه عمودی منازل، خانه‌های شهروندان ایلامی از گونه حیاطدار به بدون حیاط تغییر شکل داده‌اند. تأثیر این فرایند بر روابط اجتماعی ساکنان این خانه‌ها مسئله مورد بررسی در تحقیق حاضر است، با این فرض که با افزایش دانش طراحان نسبت به ویژگی‌های مطلوب محیط می‌توان در جهت ارتقای نقش اجتماعی افراد در خانه و کاهش فردگرایی اثرگذار بود. اهمیت رابطه معماری و شناخت فعالیت‌های انسانی از مهمترین دلایل انجام این تحقیق است. پرسش اصلی مقاله نیز این است که متغیرهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری در دو گونه مسکن حیاطدار و بدون حیاط در شهر ایلام کدامند؟

ادبیات تحقیق

بررسی تعاملات اجتماعی در حوزه مسکن را می‌توان با نگاهی به مطالعات

هال^۱ که مردم‌شناسی رفتارگراست آغاز کرد (لانگ، ۱۹۸۷: ۱۸۲). مطالعات وی آگاهی طراحان را نسبت به چگونگی برقراری ارتباط مردم در فضا بالا برده است و نشان می‌دهد که چیدمان فضا چه ارتباطی با رفتارهای اجتماعی مردم دارد. یکی از نتایج مطالعات او این است که مردم با وضعیت اجتماعی بهتر، فضای بیشتری را اشغال می‌کنند و نحوه قرارگیری درب، پنجره، کمد و منابع نور، چیدمان اتاق و به طور کلی جغرافیای فضا در چگونگی تعاملات اجتماعی ساکنان تأثیرگذار است. پژوهشگران دیگری نیز فضا، نور، رنگ، دکور (واردونو و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۶۹) و مصالح (شمس‌الدین و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۵۲) را عوامل تأثیرگذار جغرافیای فضا بر نحوه رفتارهای اجتماعی ساکنان معرفی کرده و برخی دیگر نیز ارتباط با طبیعت از طریق مصالح طبیعی (امانویلی و دیویس، ۲۰۰۷: ۱۲۶۴) یا حضور طبیعت را عاملی برای تقویت تعامل بین افراد دانسته‌اند (رشیدی، ۲۰۱۲: ۴۷۸؛ بنت، ۲۰۱۲: ۲۰۲). پژوهشی هم به بررسی تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی ارزان‌قیمت پرداخته و در آن به نقش بستر اجتماعی در شکل‌گیری خانه‌های ارزان‌قیمت تأکید شده و تعامل اجتماعی به عنوان زمینه‌ساز ایجاد حس تعلق به مکان در فرایند ساخت خانه در محلات ارزان‌قیمت معرفی شده است (عزیز و احمد، ۲۰۱۲: ۲۷۰)؛ لذا با توجه به تعداد زیاد متغیرهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری در تحقیقات بررسی شده، دسته‌بندی متغیرها در قالب حوزه‌های وسیع‌تر ضروری به نظر می‌رسید. با توجه به تحقیقات مشابه و دسته‌بندی‌هایی که صورت پذیرفته است (رشیدی، ۲۰۱۲: ۴۶۹)، گروه محققان در حوزه جمع‌آوری متغیرهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری در حوزه مسکن (باقری و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱)، دسته‌بندی ۵ تایی را مبنای تحقیق قرار داده است.

1.Hall

جدول شماره (۱). دسته بندی متغیرهای مؤثر بر اجتماع پذیری در حوزه مسکن

متغیر	حوزه مطالعاتی
ارتباط با طبیعت، فاصله عملکردی، مرکزیت عملکردی، مجاورت عملکردی، تطبیق پذیری و انعطاف پذیری، جغرافیای فضا، گونه مسکن، گونه تملک، عملکرد فضا، کد ارتفاعی (طبقه)، جذابیت بصری	کالبدی- محیطی
تجربه فضایی، حس مکان	معنایی
همسایگی، خدمات و امکانات، امنیت	زمینه‌ای
شیوه زندگی، زمان و دوره تکرار، نسبت فضا به افراد	فعالیتی- رفتاری
خلوت و تعامل، سن، تحصیلات، وضعیت شغلی، نیاز به کمک متقابل، سجنسیت	شخصیتی

منبع: (نگارندگان)

همانطور که در جدول بالا ذکر شد، متغیرهای مرتبط با محیط و معماری مانند جذابیت بصری، فاصله عملکردی، ارتباط با طبیعت در حوزه کالبدی- محیطی، متغیرهای متافیزیکی همچون: حس مکان و تجارب معنادار در حوزه معنایی، متغیرهای امنیت و همسایگی در حوزه زمینه‌ای، متغیرهای سن، جنس و وضعیت شغلی که در ارتباط با شخصیت اجتماعی و فیزیولوژیکی فرد است در حوزه شخصیتی و متغیرهای شیوه زندگی، عادات رفتاری و دوره زمانی تکرار رفتارها در حوزه فعالیتی - رفتاری قرار گرفته است.

روش تحقیق

۱. روش شناسی

روش تحقیق حاضر تحلیلی است. در این تحقیق با هدف بررسی رابطه گونه مسکن و اجتماع پذیری، به مطالعه دو گونه خانه‌های حیاطدار و بدون

حیات در محیطی کاملاً طبیعی و بدون دخالت محققان پرداخته شد. مبنای متغیرهای مورد پیمایش تکنیک دلفی بود که برای جمع‌آوری آنها از ۲۵ پژوهشگر استفاده شد. میزان اهمیت هر متغیر نیز با روش آنتروپی شانون تعیین گردید. استفاده از تکنیک دلفی و روش آنتروپی شانون بر اساس تحقیق باقری و همکاران (۲۰۱۶: ۲۵) انجام شد. در تحقیق حاضر همان متغیرهایی که از نظر پژوهشگران اهمیت داشت آزموده شد (جدول شماره ۲). اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌های میدانی برای هر گونه مسکن در نرم‌افزار SPSS وارد شد و تحلیل هر گونه مسکن به صورت جداگانه انجام گردید؛ سپس به منظور شناسایی رابطه معنادار بین متغیرها در هر دو گونه مسکن از ضریب معناداری $\text{Sig} \leq 05/0$ استفاده شد.

جدول شماره (۲). مراحل انجام تحقیق

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری در حوزه مسکن با استفاده از تکنیک دلفی و نگرش‌سنجی از خبرگان	مرحله اول
تبیین میزان اهمیت هر متغیر با استفاده از روش آنتروپی شانون	مرحله دوم
سنجش متغیرها در دو گونه مسکن شهری با استفاده از روش پیمایش میدانی و ابزار پرسش‌نامه	مرحله سوم

۲. ابزار و شیوه جمع‌آوری

برای گونه مسکن حیاط‌دار از ۴۱ نفر و برای گونه مسکن بدون حیاط از ۳۴ نفر پرسش شد؛ این افراد به صورت اتفاقی از بین کسانی انتخاب شدند که تجربه زندگی در این گونه مسکن‌ها را داشته‌اند؛ بدین منظور ناحیه یکم از منطقه آزادگان که به خیابان پیام معروف است، انتخاب شد. در این محله هر دو گونه مسکن حیاط‌دار و بدون حیاط در مجاورت هم قابل مشاهده هستند. پیمایش‌ها هم به صورت حضوری توسط محققان صورت گرفت.

شناخت بستر مطالعاتی

بستر مطالعاتی منتخب برای تحقیق حاضر، شهر ایلام، مرکز استان ایلام است. این شهر از نظر موقعیت جغرافیایی در ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی قرار دارد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲). جمعیت استان ایلام حدود ۱/۲ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد (رحیمی مقدم و ناظری، ۱۳۹۲: ۲۰۰). ساختار سکونتگاهی کنونی در شهر ایلام همچون بسیاری از شهرهای کنونی ایران برگرفته از زندگی چادرنشینی است. با شکل‌گیری شهر و ازدیاد شهروندان، کیفیت محیط زندگی و مسکن بسیار مورد توجه قرار گرفته است.



تصویر شماره (۱). محدوده مورد مطالعه در محله خیابان پیام (منبع: نگارندگان)

در شهر ایلام تا قبل از توسعه عمودی شهر و رواج مسکن آپارتمانی، اغلب ساختمان‌های مسکونی حیاطدار بوده‌اند. با افزایش ساخت و سازهای آپارتمانی، حیاط جای خود را به تراس‌هایی محدود در هر طبقه داد و این تغییر مبنای شکل‌گیری گونه جدیدی در ساختمان‌های مسکونی شهر ایلام شد. مشابه تغییرات مذکور در شهرهای توسعه‌یافته نیز وجود دارد و یکی از اصلی‌ترین عوارض آن افزایش فردگرایی در بین ساکنان چنین خانه‌هایی است؛ لذا در تحقیق حاضر دو گونه مسکن حیاطدار و بدون حیاط به عنوان

گونه‌های اصلی مسکن شهری در ایلام بررسی شد و بدین منظور محدوده خیابان پیام در نظر گرفته شد که در منطقه ۴ (آزادگان) و ناحیه ۱ قرار گرفته و جمعیت آن در سال ۱۳۹۵ برابر ۱۲ هزار و ۲۲۷ نفر بوده است. این محدوده که در تصویر شماره (۱) با رنگ قرمز مشخص شده تمام بلوک‌های مسکونی (۵۳ مجتمع آپارتمانی و ۱۱۷ خانه حیاطدار) در کوچه‌های پیام یکم تا پیام نهم واقع در دو سمت خیابان اصلی را شامل می‌شود و حدود ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد. با استفاده از فرمول کوکران با خطای ۰/۰۵ درصد، ۸۹ پرسش‌شونده برای خانه‌های حیاطدار و ۴۶ پرسش‌شونده برای خانه‌های بدون حیاط به عنوان حجم نمونه مقرر شد. با توجه به تکرار یافته‌ها و به دست آمدن ضریب معناداری مصاحبه‌ها برای خانه‌های حیاطدار و بدون حیاط به ترتیب با ۴۱ و ۳۴ پرسش‌شونده متوقف گردید. انتخاب محله پیام بدین جهت بود که هر دو گونه مسکن حیاطدار و بدون حیاط در آن مشاهده می‌شود. گونه حیاطدار در این محله نسبت به گونه بدون حیاط و آپارتمانی که اغلب نوساز هستند از سابقه بیشتری برخوردار است (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره (۲). همنشینی دو الگوی حیاطدار و بدون حیاط در محله پیام (منبع: نگارندگان)

۳. یافته‌ها و نتایج

با انجام پیمایش در دو گونه مسکن و با رعایت نمونه‌گیری تصادفی، اطلاعات، دسته‌بندی و برای تحلیل به نرم‌افزار SPSS وارد شد. در انجام تحلیل‌های آماری جداگانه برای هر گونه مسکن و انجام تحلیل رابطه معناداری بین

متغیرها در دو گونه مسکن بدون حیاط و حیاطدار، اطلاعات زیر ارائه شده است. در جدول شماره (۳) واریانس هر متغیر به همراه ضریب معناداری ارائه گردیده است.

با توجه به نتایج حاصل از آنالیز در نرم افزار، ضریب معناداری هر متغیر بین دو گونه مسکن استخراج شد؛ این ضریب $\text{Sig} \leq 0.05/0$ تعیین گردید که از میان ۲۰ متغیر بررسی شده در دو گونه مسکن، سه متغیر مجاورت عملکردی، شیوه زندگی و نیاز به کمک متقابل این ضریب معناداری را داشته‌اند. دو متغیر فاصله عملکردی و مرکزیت عملکردی نیز به ترتیب با ضریب معناداری ۰/۳۸۱ و ۰/۵۹۷ در حوزه متغیرهای کالبدی، رابطه معناداری در دو گونه مسکن نداشته‌اند. در بین متغیرهای حوزه کالبدی که بخش اعظم متغیرهای مورد بررسی را تشکیل می‌داد، تنها متغیر مجاورت عملکردی از نظر ساکنان دو گونه مسکن حیاطدار و بدون حیاط، عاملی مؤثر بیان شده و با ضریب معناداری ۰/۰۰۸ عامل بسیار مهمی در افزایش تعاملات اجتماعی و حضور افراد در دو گونه خانه مورد نظر بوده است. انعطاف پذیری و تطبیق پذیری نیز از نظر ساکنان خانه‌های حیاطدار و بدون حیاط، عاملی مهم برای اجتماع پذیری افراد تلقی نشده‌اند. متغیرهایی چون نور، رنگ، دما و مبلمان در حوزه معماری داخلی خانه‌های مورد بررسی، دارای ضریب معناداری مورد نظر نبوده و به ترتیب با ضریب معناداری ۰/۲۲۰، ۱۹۵، ۰/۱۶۰ و ۰/۰۷۱ نقشی تعیین کننده در نتایج تحقیق حاضر نداشته‌اند.

جدول شماره (۳). مقایسه واریانس و ضریب معناداری مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در دو گونه مسکن بدون حیاط و حیاطدار حاصل از آزمون t دونمونه‌ای

متغیر	واریانس	t	درجه آزادی	تفاوت میلگین‌ها	ضریب معناداری دوگانه
فاصله عملکردی	۰/۱۲۷	۰/۸۱۱	۷۳	۰/۳۸۱	- ۰/۲۰
مرکزیت عملکردی	۱/۰۳۹	۰/۵۳۱	۷۳	۰/۵۹۷	۰/۰۹
مجاورت عملکردی	۰/۰۶۲	۲/۷۰۸	۷۳	۰/۰۰۸	۰/۴۷
انعطاف‌پذیری	۴/۴۶۸	-۰/۹۲۶	۷۳	۰/۳۵۸	- ۰/۱۶
تطبیق‌پذیری	۱/۹۹۵	-۰/۱۹۰	۷۳	۰/۸۵۰	-۰/۰۴
مبلمان	۳/۳۶۰	۱/۸۳۲	۷۳	۰/۰۷۱	۰/۳۱
نور و روشنایی	۰/۰۰۷	۱/۲۳۶	۷۳	۰/۲۲۰	۰/۱۹
آسایش حرارتی	۹/۲۲۲	۱/۴۱۹	۷۳	۰/۱۶۰	۰/۱۹
رنگ	۲/۹۵۳	۱/۳۰۷	۷۳	۰/۱۹۵	۰/۲۱
گونه مسکن	۰/۱۳۲	-۰/۸۴۷	۷۳	۰/۴۰۰	-۰/۱۵
مصالح	۰/۰۷۳	-۰/۴۳۹	۷۳	۰/۶۶۲	۰/۰۸
جغرافیای فضا	۰/۳۱۴	-۰/۹۷۱	۷۳	۰/۳۳۵	-۰/۱۶
تجربه فضایی	۰/۴۵۳	-۱/۷۷۳	۷۳	۰/۰۸۰	۰/۲۵
حس مکان	۰/۵۰۱	۱/۲۹۲	۷۳	۰/۲۰۱	۰/۲۲
همسایگی	۰/۰۰۱	۱/۴۰۶	۷۳	۰/۱۶۴	۰/۳۲
خدمات و تجهیزات	۳/۶۵۵	۱/۶۷۰	۷۳	۰/۰۹۹	۰/۲۷
ایمنی و امنیت	۱/۰۴۴	۰/۶۱۲	۷۳	۰/۵۴۳	۰/۰۷
سبک زندگی	۱۰/۰۰۵	۱/۹۹۲	۷۳	۰/۰۵۰	۰/۲۹
خلوت و ارتباط اجتماعی	۱/۸۹۹	۰/۲۳۱	۷۳	۰/۸۱۸	۰/۰۴
نیاز به کمک متقابل	۰/۰۰۶	۲/۸۳۱	۷۳	۰/۰۰۶	۰/۴

منبع (نگارندگان)

بین گونه مسکن با ضریب معناداری ۰/۴۰۰ و افزایش تعاملات اجتماعی از نظر ساکنان ارتباط وجود ندارد. نوع مصالح نیز در دو گونه مسکن مشابه بوده و از نظر پرسش‌شوندگان بی‌اثر به نظر رسیده است. دو متغیر حس

مکان و تجارب معنا در حوزه متغیرهای معنایی نیز به ترتیب با ضریب ۰/۲۰۱ و ۰/۸۰۰ رابطه قابل توجهی با افزایش تعاملات اجتماعی نداشته‌اند. نتایج بررسی حوزه متغیرهای زمینه‌ای (خدمات، امنیت و همسایگی) هم بیانگر عدم ارتباط بین امکانات محیطی و حضور افراد در جمع خانه است و این در حالی است که در حوزه خارج از خانه (همسایگی یا محلات)، عوامل زمینه‌ای از مهمترین حوزه‌های مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی بوده‌اند. بررسی حوزه فعالیتی- رفتاری با متغیرهای شیوه زندگی و خلوت و تعامل اجتماعی نشان داد که متغیر خلوت و تعامل اجتماعی با ضریب معناداری ۰/۸۱۸، بدون اهمیت و متغیر شیوه زندگی با ضریب معناداری ۰/۰۵۰ با اهمیت بوده است. در دو گونه مسکن، ساکنان به نقش مؤثر فرهنگ جاری زندگی در ایجاد ارتباطات اجتماعی توافق نظر داشته‌اند. شیوه زندگی مقوله‌ای بسیار پیچیده از فرهنگ عامه مردم است که عاملی مهم در برقراری ارتباط است. نیاز به دیگران و کمک متقابل در حوزه متغیرهای شخصی نیز عاملی مهم در ارتباط بین افراد و اجتماع‌پذیری ایشان بوده است. نیاز به کمک متقابل با ضریب معناداری ۰/۰۰۶ بیانگر روح ارتباط اجتماعی به عنوان مجالی برای رفع نیازهای بشر در بستر جمعی است.

مجاورت عملکردی

در تحقیق حاضر تنها مؤلفه بااهمیت در بین عوامل کالبدی، مجاورت عملکردی بوده است. مجاورت عملکردی یا مجاورت مکانی به میزان نزدیکی عملکردهای متفاوت گفته می‌شود. نزدیکی قرارگاه‌های مورد نیاز رفتارهای اجتماعی در خانه، مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر افزایش رفتارهای جمعی است. در خانه‌های حیاطدار با توجه به مرکزیت حیاط و نزدیکی آن با عملکردهای دیگر، بیشترین تعاملات اجتماعی در حیاط خانه صورت می‌گیرد (باقری و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۰). از حیاط به لحاظ هندسی به قلب خانه تعبیر شده است. در خانه‌های با الگوی بدون حیاط بیشترین نزدیکی بین عملکردهای متفاوت در نشیمن و پذیرایی خانه است و بیشترین تعاملات اجتماعی نیز در این فضاها به ثبت رسیده است؛ لذا معماران و طراحان باید محیط به منظور تأمین مجاورت عملکردی و در نتیجه افزایش تعاملات اجتماعی به هندسه

خانه توجه بیشتری داشته باشند.

اهمیت توجه به مجاورت مکانی در تحقیق حاضر نیز همچون تحقیقات پیشین به اثبات رسیده است. پاول لاوتون^۱ (۱۹۷۷: ۲۱۲) مجاورت مکانی را عامل مهمی در شکل‌گیری الگوهای تعامل افراد مسن دانسته است. این عامل در مطالعه «تعامل بین ساکنان بلوک‌های مسکونی مجاور هم» (کوپر، ۱۹۵۱: ۱۹۰) و «رابطه زنان در مجموعه مسکونی و محل بازی بچه‌ها» (شمس‌الدین و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴۹) نیز بررسی و تأیید شده است. مجاورت عملکردی در تعامل با فرهنگ جاری در هر خانه و میزان نیاز افراد به کمک متقابل، به عنوان مجموعه‌ای به هم پیوسته در میان ساکنان خانه می‌تواند در ارتقای روابط اجتماعی مطلوب تأثیر مثبت داشته باشد؛ بنابراین می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای معنادار در تحقیقات آتی مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق بیانگر اهمیت سه متغیر مجاورت عملکردی، سبک زندگی و نیاز به کمک متقابل است. مجاورت عملکردی به معنای نزدیکی فضاهای رفتاری، عامل اصلی از نظر پرش‌شوندگان در حوزه کالبدی بوده و در گونه مسکن حیاط‌دار، هندسه خانه بر نزدیکی قرارگاه‌های رفتاری کاملاً انطباق داشته است. ساکنان این گونه خانه‌ها به تأثیر محیط بر شیوه رفتارهای اجتماعی تأکید داشته‌اند. نقش فرهنگ در شیوه رفتار و زندگی همواره مورد نظر محققان بوده است. ساکنان دو گونه مسکن نیز شیوه زندگی را متغیر بااهمیتی دانسته‌اند. در حوزه شخصی نیز نیاز به زندگی اجتماعی و کمک متقابل عاملی تعیین‌کننده در توسعه روابط اجتماعی در خانه بوده است. تعامل سه حوزه کالبدی، رفتاری و شخصیتی بیانگر نقش مکمل ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی در افزایش اجتماع‌پذیری است. افزایش تعاملات اجتماعی در حوزه مسکن به شرایط کالبدی محیط ارتباط دارد؛ اما تنها به آن وابسته نیست.

نتایج این تحقیق به نقش مکمل ساختارهای متفاوت اثرگذار بر زندگی

1. Lawton

اجتماعی ساکنان شهرهای امروزی تأکید دارد. این مهم می‌تواند از خانه به عنوان اصلی‌ترین مکان زندگی انسان‌ها آغاز شود و به سایر محیط‌های معاش امروزی تسری یابد. آنچه مورد نظر این تحقیق بوده می‌تواند در حوزه کالبدی و چگونگی تأثیر شیوه مجاورت عملکردی بر افزایش تعاملات اجتماعی در خانه یا عملکردهای دیگر معماری در تحقیق‌های آتی تعمیق یابد. در نهایت با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادات زیر را می‌شود:

۱. در سطح‌بندی پهنه‌های مسکونی (سطح ۱، ۲ و ۳) به مقوله‌های رفتاری همچون اجتماع‌پذیری در مسکن توجه شود.

۲. در صورت عدم تحقق پیشنهاد نخست و با قبول الزامات توسعه عمودی مسکن در شهرهای امروزی به حضور حیاط در طبقات برای هر واحد مسکونی توجه شود. اصلاحاتی نیز در نسبت فضای باز به فضای بسته در قوانین سازمان‌های تصمیم‌گیرنده ایجاد شود.

۳. فارغ از ابعاد و مساحت حیاط به هندسه قرارگیری حیاط نسبت به خانه توجه شود.

۴. با کاهش فاصله‌های عملکردی و سهولت دسترسی به فضاها در هر خانه، به توسعه رفتارهای اجتماعی و کاهش فردگرایی ساکنان کمک شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- اکبری، طیبه، جعفر حسین‌زاده و اردشیر شیری؛ (۱۳۹۵)، «بررسی مطلوبیت فضاهای گذران اوقات فراغت شهروندان ایلام (مطالعه موردی: فضاهای سبز شهری)»، فرهنگ ایلام، دوره هفدهم، شماره ۵۲ و ۵۳، ۲۵-۳۹.

- رحیمی‌مقدم، جواد و احسان ناظری؛ (۱۳۹۲)، «امکان‌سنجی توسعه طبیعت‌گردی در استان ایلام»، فرهنگ ایلام، دوره چهاردهم، شماره ۴۰ و ۴۱، ۱۹۰-۲۰۴.

ب) انگلیسی

- Aziz, Amet., A. & Ahmad, Ali. (2012). Home Making in Low-Cost Housing Area. Social and Behavioral Sciences. Vol, 49, 268-281.
- Bagheri, Hossein, Noghrekar, Hamid. & Mehdi, Hamzenezhad. (2014). Factors of Social Interaction in Court of Iranian Housing: by sequence analysis of cinema. Architecture and Urbanism Iranian, Vol,1 (7), 45-56.
- Bagheri, Hossein, Norouzian-Maleki, Saeed, & Seyed-Bagher, Hosseini. (2016). Factors of sociability in housing. Housing and Rural Environment, Vol, 154, 17-28.
- Banerjee, Taylor. (2001). The Future of Public Space: Beyond Invented Streets and Reintvented Places. American Planning Association Journal. Vol 32. 9-23.
- Bekker, Tim, Janienke, Tannah & Estten, Barakova. (2012). Designing playful interactions for social interaction and physical play, pers Ubiquit Comput 14, 385-396.
- Bennet, Sarrin. (2012). Playground Accessibility and Neighborhood Social Interaction among Parents. Social Indicators Research. Volume 108. (2), 199-213.
- Daneshpour, Seyed-abdolhadi. Hosseini, sasan. (2012). Role of physical factor on reduce of house prices.). Armanshahr Architecture & Urban Development,9 (11), 61-71.
- Emmanouilides, Chris, J and Robin, B, Davies. (2007). Modelling and estimation of social interaction effects in new product diffusion Original Research Article. European Journal of Operational Research. Vol, 177(2),1253-1274.
- Gehl, Jan. (1987). Life between Buildings: Using Public Space, New York: Van nostrand Reinhold.
- Kuper, louis. (1951). Living in towns. London: cresset press.
- Lang, Juan. (1987). Creating architectural theory, the role of behavioral science in environmental design. New York: Van nostrand-Reinhold.
- Lawton, Paul. (1977). Planning and manning housing for the elderly. New York: Wiley inter science.
- Mozaffar, Farhang, Behzadfar, Mustafa, Ghalenoe, Mahmoud and Sajed Rastbin. (2014). Quantification of the Environmental Qualities (Research Approach: Environmental Psychology and Social Dimensions of Urban Design). Armanshahr Architecture & Urban Development,6 (11), 251-268.
- Rapoport, Amos. (1969). House form and culture. Englewood cliffs. N. J.: Prentice- Hall.
- Rasidi, Mirdon, Jamirsah, N and I, Said. (2012). Urban Green Space Design Affects Urban Residents' Social Interaction. Social and Behavioral Sciences. Volume 68, 464-480.
- Shamsuddin, Seyed, Bahauddin, Hall and Noor Aziz, Aziz. (2012). Relationship between the outdoor physical environment and students, social behavior in urban secondary school, social and behavior science 50, 148-160.
- Wardono, P, Hibino, H & SH, koyama. (2012). Effects of interior colors, Lighting and decors on perceived sociability, Emotion and behavior related to social dining, social and behavior science 38, 362-371.